

تحلیل تأثیر شاخص‌های کنش عقلایی بر مشارکت شهروندان در طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محلات وکیل آباد و اسلام آباد ۲ ارومیه)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۶/۳۱

لیلا رحیمی* (استادیار، گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
 حدیث بردبار (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
 روناک جمشیدی (دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران)

چکیده

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، افزایش روزافزون جمعیت شهرنشین سبب بروز معضلات عمده‌ای نظیر ازدیاد سکونتگاه‌های غیررسمی شده است. در همین راستا رویکردها و طرح‌های مختلفی مطرح گردید که ناکارآمدی آن‌ها، منجر به ظهور رویکرد توانمندسازی شد. لازم به ذکر است که مشارکت ساکنان در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی از جمله راهبردهای مورد تأیید پژوهشگران شهری می‌باشد؛ زیرا در این صورت می‌توان از قابلیت‌های افراد جامعه در جهت بهبود شرایط بهره‌گرفت. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی تأثیرگذاری شاخص‌های رویکرد کنش عقلایی (هزینه-منفعت) در ارتقاء مشارکت مردم جهت اجرایی شدن طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، تحلیلی و میدانی به شیوه آمیخته می‌باشد، همچنین برای گردآوری داده‌های پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) استفاده شده است؛ به طوری که داده‌های کمی با پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته گردآوری شد و برای تحلیل‌های پژوهش نیز از آزمون‌های آماری پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با ارتقاء سطح شاخص‌های کنش عقلایی، میزان مشارکت ساکنان محدوده در اجرایی شدن طرح‌های توانمندسازی افزایش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل مدل مسیر نشان داد که شاخص‌های اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی با امتیاز (۰,۴۹۰) و سپس سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی با امتیاز (۰,۴۴۵) بیشترین میزان اثرگذاری؛ و شاخص‌های سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها با امتیاز (۰,۱۲۸) و انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری با امتیاز (۰,۲۹۲)، کمترین میزان تأثیرگذاری بر مشارکت مردمی را دارند.

واژه‌های کلیدی: کنش عقلایی، مشارکت، توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، ارومیه.

* نویسنده رابط: l.rahimi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

انقلاب صنعتی به همراه تولید انبوه و متمرکز و نیز گسترش و تسهیل شیوه‌های ارتباطی شهر با هاله پیرامونی خود، سبب ایجاد سازمان و ساختار فضایی نوین شهرها شد، همچنین افزایش جمعیت شهری، گسترش صنایع و به تبع آن تنوع فعالیتی و جمعیتی و در نتیجه تحولات سریع کالبدی شهرها، معادلات پیشین حاکم بر سازمان فضایی شهرها را متحول ساخت (Njoh, 2015:104; Todes, 2012:158). در چنین شرایطی شهرها به سرعت رشد و گسترش یافتند و بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در شهرها ساکن شدند. تداوم این امر منجر به بروز چالش‌های عمده‌ای نظیر گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی^۱ (UN Habitat, 2012) گردید. (Njoh, 2015:104; Todes, 2012:158). لازم به ذکر است که از آغاز قرن بیست و یکم تاکنون، بیش از نیمی از جمعیت جهان در نواحی شهری ساکن هستند (UN Habitat, 2003) که از این میان، حدود یک سوم آن‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی سکونت دارند (UNHabitat, 2012). در ساده‌ترین تعریف، سکونتگاه‌های غیررسمی محل اولیه سکونت مهاجرانی (Rapoport, 2003) هستند که با شیوه‌های غیررسمی موفق به ساخت مکانی برای زندگی، کار و معاشرت شده‌اند. از ویژگی‌های بارز چنین مکان‌هایی می‌توان به شرایط ناسالم زندگی، ازدحام بیش از حد جمعیت، ناامنی و آسیب‌پذیری زیستی در برابر بلایای طبیعی اشاره نمود (Güzey, 2016:40).

در کشور ایران نیز به موازات رشد شهرنشینی، شهرها با آسیب‌های متعددی نظیر نارسایی‌های تأسیساتی، آسیب‌های اقتصادی، آسیب‌های زیست‌محیطی، نارسایی‌های خدماتی در حوزه‌های شهری مواجه شدند که تداوم چنین مسائلی به ایجاد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی دامن زد (حیدری نوشهر و نظریان، ۱۳۹۰:۳۱). در همین راستا، رهیافت‌های متعددی نظیر تخلیه و تخریب برای مقابله با رشد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح گردید، که ناکارآمدی چنین رهیافت‌هایی دولت‌ها را بر آن داشت که رویکرد توانمندسازی^۲ را در دستور کار خود قرار دهند. لازم به ذکر است که طبق عقیده طیف وسیعی از کارشناسان و پژوهشگران حوزه شهری، برای افزایش میزان تأثیرگذاری رویکرد توانمندسازی، بکارگیری شیوه مشارکت مردمی در تمامی مراحل تصمیم‌گیری، طراحی و اجرای فرایند الزامی می‌باشد (Seyfoddini, 2006).

¹ Informal settlement

² Enabling

تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در رابطه با ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی انجام شده که در آن‌ها غالباً وجود ارتباط مؤثر میان توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و مشارکت مردمی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. درحالت کلی می‌توان اذعان نمود که شکاف و خلاء بزرگی میان مقابله با پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی و مشارکت مردمی وجود دارد، از این رو تحلیل و بررسی ارتباط میان توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و مشارکت مردم بسیار ضروری به نظر می‌رسد، زیرا در این صورت می‌توان از قابلیت‌های افراد جامعه در جهت بهبود شرایط بهره‌گرفت. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد که توانمندسازی و استفاده از پتانسیل‌های مشارکت مردمی یکی از راهبردهای بسیار مؤثر در جهت ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. در حالت کلی می‌توان اذعان نمود که انجام تحقیقاتی از این دست که بر بکارگیری توانایی‌های جامعه در جهت بهبود اوضاع و شرایط سکونتگاه‌های غیررسمی تأکید می‌کنند، بسیار مهم و ضروری می‌باشد. هدف پژوهش، ارزیابی تأثیرگذاری شاخص‌های رویکرد تحلیل کنش عقلانی (هزینه-منفعت) در ارتقاء مشارکت مردم جهت اجرایی شدن طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. در همین راستا پژوهش حاضر با فرض این مهم که شاخص‌های کنش عقلانی (هزینه-منفعت) عوامل مؤثر در جهت مشارکت مردم برای توانمندسازی و به تبع آن ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی هستند، در پی پاسخگویی به سؤال اصلی زیر است: کدام یک از مؤلفه‌های شاخص‌های کنش عقلانی تأثیر بیشتری بر مشارکت مردم در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد؟

پیشینه تحقیق

به منظور شناخت زمینه‌های اصلی، تحلیل چگونگی ارتباطات میان متغیرها، شناخت عوامل تأثیرگذار و آشنایی با مرزهای دانش در مفاهیم مورد بحث این پژوهش، تحقیقات خارجی و داخلی مرتبط با موضوع آورده شده است: وکسا^۱ و همکاران در سال (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی مداخله‌گر در سکونتگاه‌های غیررسمی» موضوع بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و نیز مطالعات اسنادی و میدانی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که، می‌توان از طریق افزایش فناوری، بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نیز استفاده از پتانسیل‌های مشارکت و حضور مردم در راستای ارتقاء سطح کیفیت

¹ Wekesa

زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی گام‌های مؤثری برداشت؛ خلیفا^۱ در سال (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «ارتقاء استراتژی تکامل سکونتگاه‌های غیررسمی در مصر: از سهل انگاری تا توسعه مشارکتی» موضوع توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و استفاده از مشارکت مردم را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و همچنین مطالعات اسنادی و میدانی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که، تغییر سیاست‌ها به سیاست‌های مشارکتی راهکاری مؤثر در جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد؛ مسعود و حق وردیان در سال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: پیرامون محله استخر عینک رشت» موضوع وجود یا عدم وجود ارتباط میان مشارکت مردم و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که، بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد. در صورت برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان یک اهرم توانمند در بهسازی و احیاء سکونتگاه‌های غیررسمی بهره جست؛ زالی و همکاران در سال (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز، نمونه مورد مطالعه: محله مهدی آباد (کتس بس)» موضوع میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات اسنادی و میدانی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که، طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود موفق نبوده است، از مهم‌ترین علل آن می‌توان به وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح اشاره نمود. لازم به ذکر است که این امر، ناقص مهم‌ترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری، نهادسازی و آگاه‌سازی است. افشاری آزاد و همکاران در سال (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «ادراک ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی و ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی آن، نمونه مورد مطالعه: حصار امام خمینی (ره) شهر همدان» را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و میدانی انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که، با برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، واگذاری تسهیلات کم‌سود یا بلاعوض و تسهیل ثبتي کردن این زمین‌ها می‌توان به بهبود شاخص‌ها کمک کرد و رضایت هرچه بیشتر ساکنان این محله را کسب نمود. سرگلزایی جوان وهادیانی در سال (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، نمونه مورد مطالعه: محله شیر آباد شهر زاهدان» موضوع تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی به منظور توانمندسازی را با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات اسنادی و میدانی مورد

¹ Khalifa

بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که، یک ارتباط دوسویه بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی وجود دارد. رجایی و همکاران در سال (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تطبیقی شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ورامین» را با روش توصیفی-تحلیلی انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که به علت عدم توجه مسئولان شهرداری و مدیریت شهر ورامین به استفاده بهینه از اراضی بایر موجود و نیز کم‌توجهی و رهاسازی زمین‌های بایر باعث رشد سکونتگاه‌های غیررسمی شده است.

چارچوب نظری

تاریخچه و علل شکل‌گیری مفهوم سکونتگاه غیررسمی در جهان و ایران

در قرن هجدهم و نوزدهم شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی منجر به تراکم شدید سرمایه‌ها و تراکم جمعیت در شهرها و به تبع آن سبب ایجاد نظام کارخانه‌ای و تمرکز تولید در کارخانه‌ها گردید. خانه‌های فقرا نیز در مجاورت کارخانه‌ها، واحدها و ایستگاه‌های راه آهن شکل گرفتند (شکویی، ۱۳۹۲) و در نهایت سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیه شهرها پدیدار شدند (UN Habitat, 2012). امروزه حدود یک سوم از جمعیت جهان در سکونتگاه‌های غیررسمی سکونت دارند (Dubovyk et al, 2016: 235)، به عبارت دیگر می‌توان اذعان نمود که در حال حاضر این سکونتگاه‌ها برای درصد بالایی از جمعیت شهری کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه سرپناه ایجاد می‌کنند (Abbott, 2002: 303). از میان عوامل متعدد و تأثیرگذار در پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان می‌توان به عوامل ساختاری و سازمانی جوامع، فقدان سیستم‌های حمایتی و مشارکتی، ناکارآمدی سیاست‌های تأمین مسکن اشاره نمود (رستم زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۱)، همچنین طیف وسیعی از صاحب‌نظران شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی را محصول نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون می‌دانند (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳: ۶۳).

در کشور ایران سکونتگاه‌های غیررسمی از دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰، همزمان با فروپاشی نظام شهری و روستایی، استخراج نفت، ورود اقتصاد سرمایه‌داری و اجرای برنامه اصلاحات ارضی رشد و گسترش یافتند (Seyfoddini, 2006)، لازم به ذکر است که سرعت شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی از سال ۱۳۵۵ تاکنون، بیش از پیش می‌باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۹). از جمله عوامل مهم در تسریع روند شهرنشینی و به تبع آن شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، تحولات ناشی از تقسیم کار بین‌المللی و دگرگونی ساختار

اقتصادی کشور، افزایش و انباشت درآمدهای نفتی بعد از دهه چهل، می‌باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲:۲۲۱).

تعریف سکونتگاه غیررسمی

به اعتقاد سازمان ملل تعریف مفهوم سکونتگاه غیررسمی کار آسانی نیست؛ زیرا ویژگی‌های پیچیده و مختلف چنین سکونتگاه‌هایی از محلی به محل دیگر متفاوت می‌باشد (UN habitat, 2010). در اغلب موارد به محله‌ها و کوچه‌های کثیف یا مسکن انحطاط‌یافته و غیرمنطقی یک شهر (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۱) که کیفیت مسکن و شرایط زندگی در آنجا در سطح پایینی قرار دارد (UN habitat, 2010) سکونتگاه غیررسمی اطلاق می‌شود. این مناطق بخش فراموش شده شهرها هستند که به صورت غیررسمی و بدون برنامه‌ریزی اشغال می‌شوند. لازم به ذکر است که این امر ناشی از نیاز شدید به مسکن به خصوص از سوی گروه‌های کم درآمد جامعه می‌باشد (Aziz, et al, 2014:910). دپارتمان سکونتگاه‌های انسانی ۵ معیار ۱. غیرقانونی و غیررسمی بودن؛ ۲. مکان نامناسب؛ ۳. محدودیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی؛ ۴. فقر و آسیب‌پذیری؛ ۵. فشارهای اجتماعی (The Housing Development Agency, 2012) را عنوان مهم‌ترین معیارها در تعریف سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح نموده است.

رویکرد توانمندسازی و مشارکت مردم در مواجهه با سکونتگاه غیررسمی

در گذشته بویژه در کشورهای درحال توسعه برای درمان و جلوگیری از گسترش بی‌رویه سکونتگاه‌های غیررسمی راه‌حل تخریب و جداسازی آن‌ها را از پیکره شهرها مطرح می‌نمودند (Arimah, 2010) اما به تدریج صاحب‌نظران حوزه شهری چنین مداخلات تخریب‌گرایانه را مورد انتقاد جدی قرار دادند (Mukhija, 2009:213). در همین راستا راپاپورت (۱۹۹۷) نظریه توانمندسازی را مطرح نمود. به اعتقاد راپاپورت توانمندسازی به معنای تقویت امکانات افراد برای کنترل محیط زندگی‌شان می‌باشد، بنابراین اگر قدرت، توانایی افراد در پیش‌بینی، کنترل و مشارکت در محیط باشد آنگاه می‌توان گفت که توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را بکارگیرند و به طور مؤثر در راستای تغییر محیط زندگی‌شان اعمال نمایند (Abbott, 2002:303). مهم‌ترین مؤلفه‌های توانمندسازی شامل دارایی مبنای بودن در برابر نیاز-مبنایی، فرایندگرایی در برابر فرآورده‌گرایی، اجتماع محور در

برابر پروژه محور، انکشاف منابع درونی در برابر تزریق منابع بیرونی، تسهیل‌گری دوسویه در برابر تأمین‌کنندگی یکسویه می‌باشد (زالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵).



شکل ۱- ابعاد توانمندسازی مأخذ: نگارندگان

رویکرد توانمندسازی افزون بر لزوم مشارکت مردم در ساخت و ساز و بهبود محله بر ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در تصمیم‌سازی و فرایند برنامه‌ریزی برای تشخیص اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا تأکید می‌نماید (UNESCAP, 2001)، لازم به ذکر است که رویکرد توانمندسازی با تأکید بر توسعه نظام‌های سرمایه‌گذاری مسکن، دادن یارانه، ارتقاء حقوق مالکیت شامل امنیت تصرف، ارتقاء زیرساخت‌ها، حذف موانع، تجدید ساخت صنایع خانه‌سازی و اصلاح و تقویت نهادهای مرتبط (Pugh, 2011:4) سعی بر آن دارد که با ارتقاء سطح مشارکت مردم شکاف بین طرح‌ها و نیازهای ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را مرتفع سازد (داداش پور، ۱۳۹۰). بدون شک بهره‌مندی از رویکرد مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مستلزم بسیج و مشارکت نهادها و گروه‌های مردمی و نیز استفاده از نظر کارشناسان خبره می‌باشد (Güzey, 2016:40).

شاخص‌های کنش عقلانی^۱ (منفعت - هزینه)

امروزه برای تبیین تمایل ساکنان به مشارکت در اجرای طرح‌های توانمندسازی از تحلیل رویکرد شاخص‌های کنش عقلانی بهره گرفته می‌شود. هدف چنین تحلیلی دستیابی به این مهم است که آیا فواید انجام یک کار خاص، از مشکلات و دردهای آن بیشتر است یا خیر. در حالت کلی برای بهره‌گیری از شاخص‌های کنش عقلانی (هزینه-منفعت) در بحث مشارکت افراد در طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی سؤالات اساسی زیر مطرح می‌شود: آیا توجه به توصیه‌های دولت در زمینه انجام طرح‌های توانمندسازی می‌تواند راهگشا باشد؟، آیا

¹ Rational action

ارائه وام برای نوسازی محله می‌تواند هزینه‌های بهسازی محله را به طرز چشمگیری کاهش دهد؟، آیا تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها به نفع محله است؟، میزان اعتماد به شهرداری‌ها جهت اتمام طرح‌های توانمندسازی با بودجه مناسب، تا چه اندازه می‌باشد؟، میزان اعتماد به شهرداری‌ها جهت اتمام به موقع طرح‌های توانمندسازی تا چه اندازه می‌باشد؟ و در مجموع آیا اجرای طرح‌های توانمندسازی به لحاظ هزینه و منفعت به سود محله خواهد بود؟ (زالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵)، لازم به ذکر است که پاسخ به این سؤالات می‌تواند ما را به شناختی کامل در زمینه میزان تمایل ساکنان به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی رهنمون سازد. در ادامه ۶ شاخص کنش عقلانی مطرح می‌شود: میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی؛ مفید بودن ارائه وام در زمینه نوسازی در محله؛ تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت اتمام طرح‌های توانمندسازی؛ انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری؛ سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی؛ سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها. در پژوهش حاضر شاخص‌های کنش عقلانی (هزینه-منفعت) به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت مردم به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در شکل (۲) مدل مفهومی تحقیق ارائه شده است:

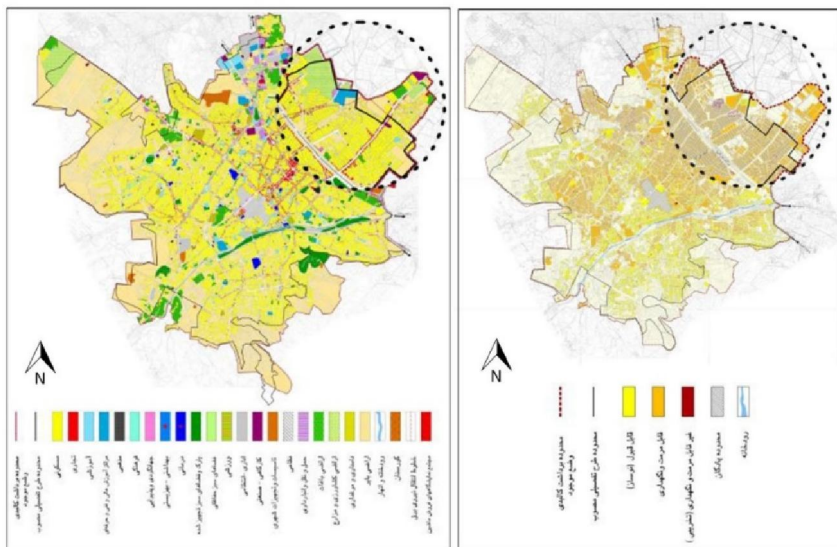


شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق مأخذ: نگارندگان

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله‌های وکیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ارومیه می‌باشند. این محله‌ها در منتهی‌الیه شمال شرقی ارومیه و در خارج از کمربندی شرقی موسوم به خاتم‌النبین قرار دارند و از سمت شمال به اراضی کشاورزی، از سمت شرق به روستای ریحان‌آباد و باغات موجود، از سمت جنوب به جاده بلوار ۷ تیر و از سمت غرب به کمربندی

خاتم‌النبیین محدود می‌شوند. فاصله تقریبی محله‌های مورد مطالعه تا بافت مرکزی شهر (باروی قدیمی) ۲۰۰۰ متر است. محله اسلام‌آباد (۲) از اولین سکونتگاه‌های غیررسمی بوجود آمده در شهر ارومیه می‌باشد. در این محله عمدتاً بناها یک طبقه هستند و متوسط مساحت قطعات مسکونی، ۱۰۰ مترمربع (دامنه از ۶۰ تا ۲۰۰ مترمربع) می‌باشد. در محله وکیل‌آباد نیز، متوسط مساحت قطعات مسکونی ۸۳ مترمربع است. کیفیت ابنیه در محله‌های وکیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) با ۲۷۶۵ خانوار، در سطح بسیار پایینی قرار دارد، لازم به ذکر است که بافت محله‌های مورد مطالعه ریزدانه و شطرنجی می‌باشد. امروزه محله‌های وکیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) با معضلاتی نظیر اغتشاش در حرکت، ناهنجاری‌های رفتار شهری، نبود فضاهای همگانی برای کنش‌های شهروندی، آلودگی‌های محیطی، گذری بودن فضا و... دست به گریبان هستند. در نقشه (۳) بافت فرسوده و کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه ارائه شده است:



نقشه ۳- بافت فرسوده و کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه
مأخذ: نگارندگان بر اساس اطلاعات مهندسان مشاور معماری و شهرسازی

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، تحلیلی و میدانی به شیوه آمیخته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه ساکنان بالای ۱۵ سال سن، سکونتگاه‌های غیررسمی وکیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) شهر ارومیه هستند. تعداد ۱۵۰ خانوار بر اساس فرمول

کوکران و با در نظر گرفتن میزان اطمینان ۹۵٪ و خطای قابل قبول ۵٪ به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری به روش تصادفی می‌باشد. پرسش‌نامه دارای ۴۰ پرسش با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت است. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی صوری بهره گرفته شده است، به این صورت که پرسش‌نامه تهیه شده را اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران این حوزه، تأیید کرده‌اند، برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز روش ضریب آلفای کرونباخ به کار گرفته شده است و این میزان برابر با ۰/۸۵ می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی خوب متغیرها است. داده‌های پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بررسی وجود ارتباط معناداری، بین شاخص‌های کنش عقلانی (هزینه-منفعت) و مشارکت مردم در طرح‌های توانمندسازی از آزمون‌های میانگین، همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی و رگرسیون خطی استفاده شده و در انتها مدل تحلیل مسیر بر اساس ضرایب رگرسیون ترسیم شده است.

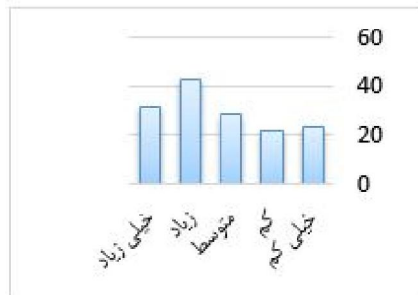
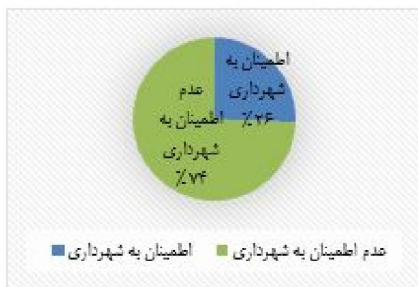
یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر شاخص‌های کنش عقلانی (هزینه-منفعت): میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی؛ مفید بودن ارائه وام برای نوسازی محله؛ تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی؛ انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری؛ سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی؛ سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت مردم به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۳۵٪ از خانوارها میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی را خیلی زیاد و ۹٪ خیلی کم ارزیابی نمودند، این بدان معناست که درصد بالایی از افراد، توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی را برای ارتقاء میزان مشارکت ساکنان و در نتیجه اجرای مطلوب طرح‌ها مؤثر می‌دانند.



نمودار ۱ - میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی مأخذ: نگارندگان

نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که ۶۱٫۲۹٪ از خانوارها ارائه وام برای نوسازی محله‌های وکیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) را مفید و ۳۹٪ مضر می‌دانند. همچنین نتایج تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۲٪ از ساکنان به تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها راغب هستند و ۲۸٪ مخالف این امر می‌باشند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ۳۲ خانوار بر تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی تأکید داشتند و ۳۴ خانوار این امر را الزامی ندانستند (نمودار ۲). همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که به اعتقاد مردم، شهرداری‌ها حتی در صورت داشتن بودجه کافی، آن را صرف انجام طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی نمی‌کنند (نمودار ۳).



نمودار ۲- نظرسنجی در مورد بودجه مناسب شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی
 نمودار ۳- اطمینان از انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری مأخذ: نگارندگان

مطابق نمودار (۳)، ۷۴٪ از ساکنان محدوده مورد مطالعه، به شهرداری‌ها جهت انجام به موقع طرح‌ها اطمینان کافی ندارند، در چنین شرایطی وجود نهادهایی جهت برقراری تعامل میان مردم و شهرداری‌ها نظیر شورایی‌ها بسیار ضروری جلوه می‌نماید. ۶۷٪ از خانوارها انجام طرح‌های توانمندسازی را مؤثر و سودمند می‌دانند و ۲۳٪ با انجام آن‌ها مخالف هستند.

بررسی ارتباط هر یک از شاخص‌های کنش عقلانی با میزان مشارکت مردمی

برای بررسی وجود ارتباط میان هر یک از شاخص‌های کنش عقلانی با میزان مشارکت مردمی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در این آزمون علاقه‌مندی مردم به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های کنش عقلانی به عنوان متغیر مستقل، در نظر گرفته شده است. مطابق جدول (۱) شاخص «میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی» و سپس شاخص «تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی» به ترتیب بیشترین ضریب و شاخص

«سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها» و سپس شاخص «انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری» به ترتیب کمترین ضریب پیرسون را دارند.

جدول ۱- بررسی ارتباط بین شاخص‌های کنش عقلانی و مشارکت ساکنان

شاخص‌ها	ضریب همبستگی پیرسون
میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی	۰,۴۹۰
مفید بودن ارائه وام در زمینه نوسازی در محله	۰,۳۰۲
تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی	۰,۴۷۰
انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری	۰,۲۹۲
سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی	۰,۴۴۵
سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن	۰,۱۲۸

ماخذ: نگارندگان

نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که، میان شاخص‌های «میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی»، «تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی» و «سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی» و تمایل ساکنان به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد (درجه معناداری = ۰,۰۰۰ و سطح اطمینان = ۰,۹۹)، لازم به ذکر است که سایر شاخص‌ها فاقد چنین ارتباطی معناداری می‌باشند، بنابراین برای افزایش میزان تمایل ساکنان به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی الزامیست که سطح آگاهی آن‌ها از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، برقراری ارتباط با نمایندگان منتخب مردم و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در مورد سودمندی طرح‌های توانمندسازی و توصیه‌های دولت ارتقاء یابد، همچنین تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری‌ها برای انجام طرح‌های توانمندسازی بسیار ضروری می‌باشد.

سنجش ارتباط کلی میان شاخص‌های کنش عقلانی و میزان مشارکت مردم در طرح‌های توانمندسازی

به منظور سنجش ارتباط کلی میان شاخص‌های کنش عقلانی و میزان مشارکت مردم در طرح‌های توانمندسازی، شاخص‌های کنش عقلانی به عنوان متغیر مستقل و میزان تمایل مردم به مشارکت در انجام طرح‌های توانمندسازی به عنوان متغیر وابسته انتخاب شدند و نیز جهت بررسی این ارتباط از ضرایب همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی و رگرسیون خطی استفاده شده است.

جدول ۲- بررسی ضریب همبستگی بین متغیرهای تبیین کننده کنش عقلانی و تمایل ساکنان به مشارکت

مرحله	نوع آزمون آماری		عامل کنترل کننده
مرحله اول	همبستگی پیرسون		-
	$R = ۰,۶۳۹$	$Sig = ۰,۰۰۰$	
مرحله دوم	همبستگی جزئی		میزان درآمد خانوار
	$R = ۰,۶۴۵$	$Sig = ۰,۰۰۰$	

مأخذ: نگارندگان

با توجه به جدول (۲)، میان شاخص‌های کنش عقلانی و مشارکت مردم در طرح‌های توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد (ضریب همبستگی پیرسون = $۰,۶۳۹$ ، درجه معناداری = $۰,۰۰۰$ و سطح اطمینان = ۹۹%). در ادامه برای حصول اطمینان از وجود چنین ارتباطی، میزان درآمد خانوار به عنوان متغیر کنترل کننده انتخاب گردید. از آنجایی که فقر (میزان درآمد خانوار) یکی از متغیرهای بسیار مهم و تأثیرگذار در سکونتگاهی غیررسمی می‌باشد؛ بنابراین در این مرحله برای کنترل تأثیرات متغیر میزان درآمد خانوار بر کنش عقلانی در محله وکیل آباد و اسلام‌آباد (۲)، از تکنیک آماری همبستگی جزئی استفاده شده است. در جدول (۳)، ضریب همبستگی جزئی $۰,۶۴۵$ می‌باشد که این میزان بالاتر از ضریب همبستگی پیرسون است، بنابراین می‌توان گفت که میان شاخص‌های کنش عقلانی و میزان مشارکت مردم در طرح‌های توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون‌های همبستگی پیرسون و همبستگی جزئی می‌توان ادعا کرد که میزان کنش عقلانی بر تمایل ساکنان به مشارکت در انجام طرح‌های توانمندسازی تأثیر مثبت دارد، در نتیجه فرضیه اصلی تحقیق اثبات و تأیید می‌شود. برای بررسی ارتباط خطی میان کنش عقلانی و مشارکت مردم از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. در ادامه معادله خطی میان کنش عقلانی و تمایل ساکنان به مشارکت در انجام طرح‌های توانمندسازی ارائه شده است:

$[کنش\ عقلانی] = [۰,۶۳۹] یا [۱,۷۵۵] + [کنش\ عقلانی] [۰,۴۰۰] =$ میزان تمایل ساکنان به مشارکت
 با توجه به معادله خطی مذکور می‌توان گفت که تغییر به اندازه یک انحراف معیار در شاخص‌های کنش عقلانی موجب تغییر به اندازه $۰,۶۳۹$ انحراف معیار در تمایل ساکنان به مشارکت در انجام طرح‌های توانمندسازی می‌شود.

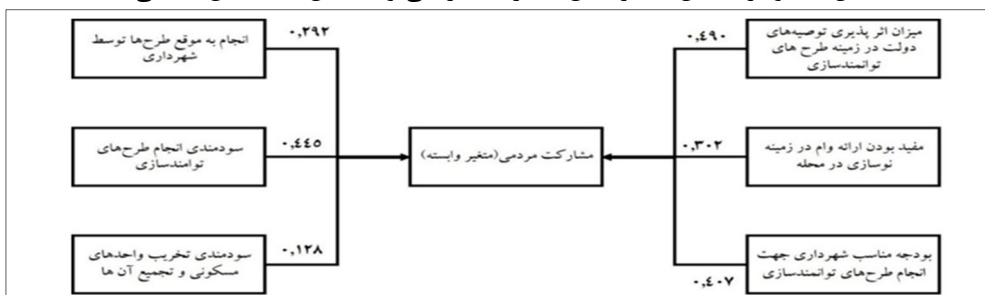
جدول ۳- بررسی ارتباط بین کنش عقلانی و مشارکت ساکنان

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	اختلاف	معنی داری	
	ضریب بی	اختلاف استاندارد	بتا			
۱	عدد ثابت	۱,۷۵۵	۰,۲۱۴		۸,۲۰۵	۰,۰۰۰
	کنش عقلانی	۰,۴۰۰	۰,۰۶۳	۰,۶۳۹	۶,۳۳۳	۰,۰۰۰

مأخذ: نگارندگان

نتایج حاصل از تحلیل مدل مسیر نشان داد که شاخص‌های اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی و سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی بیشترین میزان اثرگذاری؛ و شاخص‌های سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها و انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری، کمترین میزان تأثیرگذاری را بر میزان مشارکت مردمی دارند.

شکل ۴- نمودار تحلیل مسیر میان مشارکت مردمی و شاخص‌های کنش عقلانی



مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران یکی از نمودهای رشد سریع شهرنشینی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد، اما به دلیل آنکه کیفیت و کمیت سکونتگاه‌های غیررسمی در جوامع مختلف متفاوت است، بنابراین می‌بایست در برخورد با این پدیده همچون سایر پدیده‌های اجتماعی از یک‌سونگری پرهیز کرده و با تلاشی جدی به چاره‌اندیشی علمی و درک مسائل آن اهتمام ورزید. در همین راستا، رهیافت‌های متعددی نظیر خودیاری، مسکن عمومی، طرح‌های مکان و خدمات، تخلیه و تخریب برای مقابله با رشد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح گردید، که ناکارآمدی چنین رهیافت‌هایی دولت‌ها را بر آن داشت که رویکرد توانمندسازی را از اواخر دهه ۱۹۸۰ جهت کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی در دستور کار خود قرار دهند. مهم‌ترین اصول و ابعاد رهیافت توانمندسازی، توجه به مشارکت مردمی، برنامه‌ریزی با همکاری مردم و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تأثیرگذاری شاخص‌های رویکرد کنش عقلانی (هزینه-منفعت) در ارتقاء مشارکت مردم جهت اجرایی شدن طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و کیل‌آباد و اسلام‌آباد (۲) شهر ارومیه انجام شده است. برای این منظور شش شاخص کنش عقلانی: میزان اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی؛ مفید بودن ارائه وام برای نوسازی محله؛ تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری جهت انجام طرح‌های توانمندسازی؛ انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری؛ سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی؛ سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها؛ از طریق پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته مورد آزمون قرار گرفتند.

نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که، با ارتقای سطح شاخص‌های کنش عقلانی، میزان مشارکت ساکنان در طرح‌های توانمندسازی افزایش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل مدل مسیر نشان داد که از میان شاخص‌های کنش عقلانی، شاخص‌های اثرپذیری توصیه‌های دولت در زمینه طرح‌های توانمندسازی با امتیاز (۰,۴۹۰) و سودمندی انجام طرح‌های توانمندسازی با امتیاز (۰,۴۴۵) بیشترین میزان اثرگذاری؛ و شاخص‌های سودمندی تخریب واحدهای مسکونی و تجمیع آن‌ها با امتیاز (۰,۱۲۸) و انجام به موقع طرح‌ها توسط شهرداری با امتیاز (۰,۲۹۲)، کمترین میزان تأثیرگذاری را بر مشارکت مردمی دارند، بنابراین جهت ارتقاء میزان مشارکت ساکنان در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، توجه به توصیه‌های دولت؛ انجام اقدامات اداری جهت تبدیل اسناد قولنامه‌ای به رسمی؛ اجازه تفکیک و تجمیع قطعات با دریافت وام به شرکت‌های زیر نظر دولت؛ فروش واحدهای مسکونی قولنامه‌ای به شهرداری و دریافت قطعه زمین تفکیک شده در جای دیگر، ضروری می‌باشد. همچنین برای افزایش میزان تمایل ساکنان به مشارکت در طرح‌های توانمندسازی الزامیست که سطح آگاهی آن‌ها از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، برقراری ارتباط با نمایندگان منتخب مردم و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در مورد سودمندی طرح‌های توانمندسازی و توصیه‌های دولت ارتقاء یابد، همچنین تخصیص بودجه مناسب از سوی شهرداری‌ها برای انجام طرح‌های توانمندسازی بسیار ضروری می‌باشد.

یافته‌های حاصل از این پژوهش در مواردی با بررسی‌های گذشته در مورد تأثیر مشارکت مردمی در اجرایی شدن طرح‌های توانمندسازی سازگاری داشته و آن را تأیید می‌کند؛ برای مثال خلیفا (۲۰۱۶) بیان می‌کند که، تغییر سیاست‌ها به سیاست‌های مشارکتی راهکاری مؤثر در جهت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد؛ سرگلزایی جوان و هادیانی (۱۳۹۵)

بیان نمودند که، یک ارتباط دوسویه بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ زالی و همکاران (۱۳۹۴) نیز، به این نتیجه رسیده‌اند که طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود موفق نبوده است، از مهم‌ترین علل آن می‌توان به وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح اشاره نمود. لازم به ذکر است که این امر، ناقض مهم‌ترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری، نهادسازی و آگاه‌سازی است. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که: ۱-زمینه‌سازی در جهت ساخت نهادهای مدیریتی محلی؛ ۲- اطمینان‌بخشی از بهره‌وری مناسب طرح‌های توانمندسازی؛ ۳-زمینه‌سازی جهت اشتغال‌زایی خودکفا در محله؛ ۴- ترغیب نهادهای عمومی شهری به توجه بیشتر به محلات حاشیه‌نشین؛ ۵-تشویق به توسعه‌ای درون‌زا با کمک‌های دولتی؛ ۶-حمایت دولتی از شهرداری‌ها جهت اجرایی کردن طرح‌های توانمندسازی.

منابع و مآخذ:

۱. افشاری آزاد، س.، عثمانی، آ.، پیری، سعید، خسروبیگی، ب. ۱۳۹۴. ادراک ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی و ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی آن، نمونه مورد مطالعه: حصار امام خمینی (ره) شهر همدان. نشریه آمایش محیط، ۳۷ (۱۰): ۹-۳۶.
۲. پیری، ع.، رضاییان، م. ۱۳۹۳. امکان سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعی محلی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۰ (۳): ۶۳-۷۲.
۳. جمشیدی، ع.، جمینی، د.، جمشیدی، م.، چراغی، ر. ۱۳۹۲. اسکان غیررسمی، اولویت‌بندی چالش‌های محله جعفرآباد شهر کرمانشاه. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴ (۴۵): ۲۴۲-۲۲۱.
۴. حسین زاده دلیر، ک. ۱۳۸۱. حاشیه نشینان تبریز. چاپ سوم. دانشگاه تبریز.
۵. حیدری نوشهر، م.، نظریان، ا. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی و بازتاب‌های آن با تأکید بر کاربری خدمات شهری نمونه مورد مطالعه: شهر یزد. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۳۱ (۸): ۳۱-۴۹.
۶. داداش پور، ه.، علیزاده، ب. ۱۳۹۰. اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین. آذرخش. تهران.
۷. رجایی، س.ع.، عباسی فلاح، و.، نجفی، ا. ۱۳۹۶. ارزیابی تطبیقی شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ورامین، نشریه آمایش محیط، ۴۶ (۱۲): ۱۴۹-۱۷۶.
۸. رستم زاده، ی. ۱۳۹۱. ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی؛ مورد پژوهی: محله توحید بندرعباس. مجله مدیریت شهری، ۲۳ (۶): ۳۳۶-۳۲۱.
۹. زالی، ن.، رحمتی، ی.، چاره، ن. ۱۳۹۴. ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز نمونه مورد مطالعه: محله مهدی آباد (کتس بس). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۳ (۶): ۱۱۵-۱۳۲.
۱۰. زیاری، ک.، سالاروندیان، ف.، قنبری نسب، ع.، حبیبی، ل. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل تطبیقی تفاوت‌های سکونتگاه غیررسمی شیراز موارد مطالعه شهرک بهار، مهدی آباد، سهل آباد. فصلنامه آمایش محیط، ۲۱ (۶): ۳۹-۶۴.
۱۱. سرگلزایی جوان، ط.، هادیانی، ز. ۱۳۹۵. امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶۳ (۱۶): ۲۱۳-۱۸۵.
۱۲. شکویی، ح. ۱۳۹۲. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. سمت. تهران.

۱۳. مسعود، م.، حق وردیان، ف. ۱۳۹۱. نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: پیرامون محله استخر عینک رشت. نشریه چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۱۸ (۷): ۱۴۰-۱۲۸.

14. Abbot, J. 2002. An Analysis of Informal settlements Upgrading, an Critique of Existing Mythological Approaches. *Journal of Habitat international*, 26 (11): 303-315.
15. Arimah, B.C. 2010. the face of urban poverty, explaining the prevalence of slums in developing countries. UNU-WIDER.
16. Aziz, N. N. A., Hassan, W. H. A. W., Saud, N. A. 2014. The effects of urbanization towards social and cultural changes among Malaysian settlers in the federal land development schemes (FELDA). *Journal of Johor Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68 (13): 910-920.
17. Dubovyk, O., Sliuzas, R., Flacke, J. 2016. Spatio-temporal modelling of informal settlement development in Sancaktepe district, Istanbul, Turkey. *Journal of Photogrammetry and Remote Sensing*, 66 (2): 235-246.
18. Güzey, Ö. 2016. The last round in restructuring the city: Urban regeneration becomes a state policy of disaster prevention in Turkey. *Journal of Cities*, 50 (32): 40-53.
19. Khalifa, M. 2016. Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development. *Journal of Ain Shams Engineering Journal*, 6 (4): 1151-1159.
20. Mukhija, V. 2009. Upgrading Housing Settlement in developing countries. *Journal of Cities*, 36 (4): 213-222.
21. Njoh, A. J. 2015. An OLS analysis of the impact of colonialism on inter-country differentials in slum incidence in Africa. *Journal of Cities*, 44 (12): 104-111.
22. Pugh, C. 2011. the theory and practice of housing sector development for developing countries. *Journal of Housing Studies*, 20 (31): 4-16.
23. Rapoport, A. 2003. *Cultura, Arquitectura Y Diseño*. Barcelona: Univ. Politèc. de Catalunya 28.
24. Seyfoddini. F. 2006. *dictionary of Urban planning and regional*. Aeej, First Edition, tehran.

25. The Housing Development Agency. 2012. South Africa: Informal settlements status. Killarney. Johannesburg: The Housing Development Agency.
26. Todes, A. 2012. Urban growth and strategic spatial planning in Johannesburg. *Journal of South Africa Cities*, 29 (8): 158–165.
27. UN Habitat, 2012. urban planning for leaders. UN habitat for a better urban future.
28. UN Habitat. 2010. The challenge of slums; global report on human settlements and metropolitanisation.
29. UN Habitat .2003. the challenge of slums; global report on human settlements and metropolitanisation.
30. UNESCAP. 2001. Municipal and Management in Asia: A comparative study. In: United Nation Economic and Social Commission for Asia and the specific.
31. UN-Habitat. 2010. Global urban indicators–selected statistics: Global report on human settlements. Gateshead, England: Earthscan.
32. Wekesa, B.W. S., Mukhija, G.S., Otieno, F.A.O. F. 2012, A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements. *Journal of Habit International*, 35 (2): 238-245.